

خبرها

وزیر خارجه ایتالیا: در غزه هم می‌توان نیروی حافظ صلح به‌کار برد

وزیر امورخارجه ایتالیا گفت در صورتی که نیروهای چندملیتی برنامه‌ریزی شده در لبنان موفق شوند احتمال ایجاد چنین نیروی مشابهی برای نوار غزه نیز وجود دارد. ماسیمو دالما اعلام کرد: «راهکار آمریکا در قبال خاورمیانه شکست خورده است و خسارات جدی را به‌بار آورده است. هم اکنون ایتالیا و اروپا باید به اسرائیلی‌ها ثابت کنند که تنها مداخله بین‌المللی می‌تواند امنیت را برای آنها به ارمغان آورد.»
دالما در دیدارش با تئریزی لیونی وزیر خارجه اسرائیل در رم گفت: نیروهای چندملیتی تنها به دولت لبنان کمک می‌کنند تا حزب الله لبنان را خلع سلاح کند. خلع سلاح حزب‌الله تنها به دولت فواد سنیره نخست‌وزیر لبنان مربوط است و مطمئناً از طریق زور به انجام نمی‌رسد.
دالما گفت: توصیف حزب‌الله لبنان به عنوان یک سازمان تروریستی یک اقدام ساده‌انگارانه است. اگر حزب الله لبنان تنها یک گروه تروریستی کوچک بود از چنین حمایت گسترده‌ای در لبنان برخوردار نمی‌شد.

پرهیز دیپلمات‌های آمریکایی از مناطق جنگ‌زده

بی‌بی‌سی: طی چند سال گذشته وزارت خارجه آمریکا برای اعزام دیپلمات‌های خود به مناطق خطرناکی نظیر عراق و افغانستان با دشواری‌هایی روبه‌رو بوده است. اما کاندولیزا وزیر خارجه آمریکا اخیراً مقرراتی را به‌مورد اجرا گذارده است که کادر سیاسی وزارت خارجه را موظف به خدمت در مناطق بحرانی می‌کند. در گذشته سمت‌های پرطرفدار نخست‌پر می‌شد. اما براساس مقررات جدید دشوارترین پست‌های مناطق جنگی نخست‌پر می‌شوند و پس از آن نوبت به بقیه مناطق می‌رسد. وزارت خارجه آمریکا اخیراً حقوق کارکنانی که در نقاط بحرانی نظیر عراق خدمت می‌کنند تا هفتاد درصد افزایش داده است. اما به گفته آنتونی هلمز رئیس انجمن سرویس خارجی آمریکا، این امتیازها برای اعزام دیپلمات‌ها به عراق و افغانستان کافی نبوده است. چند سال پیش وزارت خارجه آمریکا با اعمال تغییراتی کله کادر سیاسی خود را موظف کرد که در مناطق مختلف خدمت کنند. با این‌وجود این تغییرات هیچ‌گاه به‌طور جدی به‌مورد اجرا گذارده نشد. اما براساس مقررات جدید وزارت خارجه، هیچ دیپلماتی نمی‌تواند برای همیشه در منطقه خاصی خدمت کند.

تحقیق در مورد بمب‌های خوشه‌ای اسرائیل
ایلتنا: وزارت خارجه آمریکا استفاده اسرائیل از بمب‌های خوشه‌ای ساخت آمریکا در جنگ با لبنان را بررسی می‌کند. «روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی نوشت که دفتر کنترل تجارت دفاعی وزارت خارجه آمریکا پس از انتشار گزارشی‌هایی مبنی بر پیدا شدن ۳ نوع بمب خوشه‌ای ساخت آمریکا در جنوب لبنان، اعلام کرد که این موضوع را بررسی می‌کند.»
اسرائیل اعلام کرد از حق خود مبنی بر استفاده از بمب‌های خوشه‌ای دفاع می‌کند و فقط براساس قوانین بین‌المللی از آنها استفاده می‌کند و مشخص نیست که آیا از این بمب‌ها در لبنان استفاده شده است یا نه. «گوزئالو گالگوس» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به روزنامه نیویورک تایمز گفت: «ما این اتهامات که این مهمات استفاده شده است را شنیده‌ایم و به دنبال اطلاعات بیشتر هستیم.»
همچنین سخنگوی سفارت اسرائیل در آمریکا اعلام کرد: «در مورد این بررسی به ما اطلاع داده نشده است، زمانی‌که به ما اطلاع داده شود، خوشحال می‌شویم که پاسخ دهیم.»
آمریکا در دهه ۱۹۷۰ در مورد اینکه اسرائیل از بمب‌های خوشه‌ای فقط علیه ارتش‌های سازمان‌یافته عرب یا اهداف نظامی استفاده کند، موافقتنامه‌ای امضا کرده است.

ادعای آمریکا درباره لغو تحریم کوبا

فارس: آمریکا بار دیگر ادعا کرد در صورتی که دولت کوبا روند تحولات دموکراتیک را آغاز کند تحریم علیه این کشور لغو خواهد شد. به گزارش آل پابیس، توماس شانون معاون آمریکای لاتین وزارت خارجه آمریکا روز گذشته گفت: پیشنهادی که جورج بوش در سال ۲۰۰۲ برای لغو تحریم کوبا در صورت اجرای اصلاحات در این کشور داد و با مخالفت هائوآنا مواجه شد همچنان به قوت خود باقی است. شانون افزود: پیشنهاد آمریکا مشروط به موافقت کاسترو با آزادی زندانیان سیاسی، رعایت حقوق بشر، تعهد به تشکیل موسسات مستقل مانند احزاب سیاسی و سندیکاها و همین‌طور برگزاری انتخابات است. معاون آمریکای لاتین وزارت خارجه آمریکا خاطرنشان کرد: اگر دولت کوبا سیاستی باز اتخاذ کند و تحولاتی دموکراتیک صورت دهد، کاخ سفید لغو احتمالی تحریم‌های این کشور را با کنگره در میان خواهد گذاشت. شانون در عین حال گفت: اگرچه تاکنون هائوآنا علاقه‌ای به این مسئله نشان نداده است اما آمریکا به سخنان آنها گوش می‌دهد. اظهارات شانون در چارچوب تحرکات جدید آمریکا علیه کوبا پس از بیماری فیدل کاسترو و واگذاری موقت قدرت به برادرش راؤل در ۳۱ جولای گذشته مطرح شده‌اند.

افزایش محبوبیت شیراک ودوویلین

ایلتا: محبوبیت رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر فرانسه در ماه جاری میلادی افزایش چشمگیری داشت. «لوپون» نوشت: «محبویت شیراک» و «دومینیک دو ویلین» نخست‌وزیر فرانسه افزایش یافته است و به ترتیب به ۴۱ درصد و ۳۶ درصد رسیده است. محبوبیت نیکولا سارکوزی» وزیر کشور فرانسه ۵۹ درصد و «میشل آلیو ماری» وزیر دفاع فرانسه ۵۲ درصد است. در این حال نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند خانم سگولن روایال نامزد احتمالی حزب سوسیالیست برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۷ در صدر نامزدهای محبوب مردم فرانسه قرار گرفته است. طبق نظر سنجی موسسه سوفرس، روایال می‌تواند با کسب حدود ۳۲ درصد از آرا رئیس‌جمهور شود. سارکوزی ۳۰ درصد و ژان ماری لوین رهبر حزب راست‌گرای افراطی «جبهه ملی» ۱۴ درصد آرا را کسب خواهند کرد.

نیروهای مسلح آمریکا درصدد تکمیل اسلحه جدیدی هستند که به وسیله آن می‌توان هر هدفی را در هر منطقه از کره زمین در عرض یک ساعت نابود کرد. «ضربت جهانی» نام مستعار طرحی است که بر مبنای آن موشک‌های بالستیک آمریکا با کلاهک‌های متعارف تجهیز شده و بدین صورت این سلاح‌ها دچار تغییر و دگرگونی‌هایی اساسی می‌شوند. طرح‌هایی چون «ضربت جهانی» سال‌ها است که در ایالات متحده آمریکا در حال بررسی است. اما در حال حاضر پنتاگون از کنگره آمریکا برای اجرای این پروژه تقاضای یک بودجه ۱۲۷ میلیون دلاری کرده است و همین مسئله در واشینگتن موجب بالا گرفتن بحث‌هایی جنجال‌برانگیز در مورد کارایی این موشک جدید شده است. حتی روسیه هم این طرح آمریکا را به دقت دنبال می‌کند و به تازگی اعلام کرده است که استفاده از چنین اسلحه‌ای می‌تواند به‌طور سهوی منجر به یک جنگ اتمی بشود. به تازگی دو تن از وزرای دفاع‌های دور ایالات متحده یعنی «هاربرد براون» (وزیر دفاع دوران کاتر) و «جیمز شلزینگر» (وزیر دفاع در دوران نیکسون و فورد) در یکی از نظن‌خواهی‌های روزنامه «واشینگتن‌پست» در مورد آنکه این راکت‌های جدید برای چه نوع سناریوها و طرح‌هایی در نظر گرفته شده‌اند، به اظهارنظر پرداخته‌اند. آنها گفته‌اند که امکان دارد زمانی موشک‌های آمریکایی پی به تجمع گروهی از تروریست‌ها ببرند که مشغول ساخت سلاح اتمی هستند، اما اگر این محل تجمع در فاصله‌ای بسیار دور از پایگاه‌های هوایی و یا ناوهای جنگی آمریکا باشد، امکان از بین بردن آنها با موشک‌های دوربرد و هدایت‌شونده کروژ ممکن نیست. به عقیده این دو وزیر

اسبق دفاع، در چنین حالت‌هایی نشان دادن یک واکنش سریع تنها یا راکت‌های بزرگ بالستیک‌ی امکان دارد و از طرفی اصولاً این راکت‌ها برای جنگ‌های اتمی در نظر گرفته شده‌اند. از آنجایی که پرتاب چنین سلاح‌هایی تنها با اجازه رئیس‌جمهور آمریکا ممکن است، سرعت عمل این گونه راکت‌ها (یک ساعت) این امکان را پدید می‌آورد که بتوان برای دریافت این مجوز وقت کافی داشت.

علاوه بر آن تا به امروز ارتش آمریکا موشک‌های بالستیک‌ی که به کلاهک‌های متعارف مجهز است، در اختیار نداشته است. از همین‌رو پنتاگون در نظر دارد در موشک‌های Trident2 که در زیردریایی‌های اتمی آمریکا مستقر هستند، تغییراتی ایجاد کند. این موشک که از سه قسمت تشکیل شده است نزدیک به ۴۷۰۰ کیلومتر دراز دارد و می‌تواند به راحتی اهداف بسیار دور را مورد حمله قرار دهد. در حال حاضر نیروی دریایی آمریکایش از ده فروند از این موشک‌ها را در ناوگان اتلانتیک و هشت فروند در ناوگان پاسیفیک در اختیار دارد.

برپایه جزئیات محدودی که تا به امروز از این طرح ضربت جهانی آمریکا در دسترس است، هر زیردریایی آمریکایی در آینده می‌تواند علاوه بر ۲۲ موشک اتمی، ۲ فروند از این موشک‌های جدید را هم که مسلح به کلاهک‌های متعارف هستند، با خود حمل کند. جالب اینجاست که این موشک‌های جدید می‌توانند چند نوع مختلف کلاهک را همزمان حمل کنند که البته دو نوع از این کلاهک‌ها تا به حال شناخته شده‌اند: نوع اول این کلاهک‌ها مجهز به گلوله‌های فولادی است که می‌تواند یک ساختمان کامل را ویران کند و نوع دوم این کلاهک‌ها در واقع نوعی بمب خوشه‌ای و به عبارت بهتر مجهز به

میله‌هایی از جنس کروم است که می‌تواند اهداف متحرک و ثابت و فاصله‌ای دورتر را منهدم کند.

البته این ویژگی‌های اخیر، امکانات کاربردی این اسلحه‌های جدید را کاهش می‌دهد. بدین‌صورت این

موشک‌ها برای حمله و اصابت به اهداف زیرزمینی و پناهگاه‌های پتونی مناسب نیستند و جالب اینجاست که در حال حاضر بحث و جدل غالب در میان فرماندهان نظامی آمریکا همین عدم کارایی سلاح‌های جدید برای حمله احتمالی به تأسیسات اتمی دیگر کشورها است. این موشک‌های جدید تنها برای حمله و تخریب اهداف، سطح زمین مانند وسایل نقلیه، کشتی‌ها، هواپیماها، موشک و سلاح‌های کشتار جمعی در نظر گرفته شده‌اند. به دلیل همین محدودیت‌های موشک‌های جدید، طراحان پنتاگون در صدد ساختن سلاح‌هایی هستند که قابلیت واکنش سریع و دقیق را داشته و بتوان بدون هر هشدارِی آنها را به سوی اهداف مورد نظر شلیک کرد. آزمایش‌هایی که تا به امروز صورت گرفته نشان می‌دهند که این موشک‌های جدید با وجود همه آن محدودیت‌ها در هدف‌گیری بی‌نهایت با دقت عمل می‌کنند به‌طوری‌که قادر هستند هدف مورد نظر در هزاران کیلومتر دورتر را درست به مانند هدفی در پنج متری شناسایی و به آن حمله کنند. اما تکمیل و رفع محدودیت‌های این موشک‌های جدید پانصد میلیون دلار هزینه دارد. طبق برنامه پنتاگون قرار است طی دو سال آینده، این موشک‌ها تکمیل و قادر به حمله به اهدافی در سراسر اروپا، آفریقا و یا آسیا باشند.

اروپا و آمریکا

اسلحه جدید و مرگبار آمریکا

موشک‌های قاره‌پیما با کلاهک متعارف

نیکولاس بوسه

ترجمه: **محمدهعلی فیروزآبادی**



این پروژه البته در کنگره آمریکا با مخالفت و مقاومت‌هایی روبه‌رو شده است. برخی از نمایندگان کنگره بر این باورند که تجهیز ناوگان استراتژیک زیردریایی آمریکا به کلاهک‌های متعارف، می‌تواند آغازی خزننده بر غیراتمی ساختن این ناوگان باشد و به عبارتی تبدیل به طرحی شود که در دراز مدت منجر به تغییر و تبدیل سلاح‌های نامتعارف به سلاح‌های متعارف گردد! این عده از نمایندگان کنگره آمریکا همان کسانی هستند که عقیده دارند حفظ آن سلاح‌ها وحشت و هراس عظیمی در جهان ایجاد می‌کند و یکی از مولفه‌های اصلی و اساسی برای امنیت ملی ایالات متحده به‌شمار می‌آید.

ناوگان زیردریایی ارتش ایالات متحده در عمل یکی از ستون‌های اصلی و مهم استراتژی اتمی آمریکا به حساب می‌آید زیرا این به اصطلاح شاخه نظامی، در صورت حمله اتمی دشمن، از بزرگترین شانس برای سالم ماندن برخوردار است. عده‌دیگری از نمایندگان مخالف این طرح در کنگره، با نگاهی کاملاً تخصصی و فنی نسبت به پروژه ضربت جهانی اظهار تردید می‌کنند. به گفته این عده، زیردریایی‌ای که هر دو نوع موشک اتمی و غیر اتمی را حمل می‌کند در واقع یک زیردریایی در منظوره قلمداد می‌شود و در چنین حالتی امکان خطاهای جبران‌ناپذیر بسیار افزایش پیدا می‌کند. به عقیده این گروه تنها کافی است تا یک فرمان اشتباه صادر و یا اشتباه فهمیده شود و یا به دلیل اشکال در برخی سیستم‌ها، به‌جای پرتاب راکت متعارف، یک راکت اتمی پرتاب گردد.

با این حال، مخالفت اصلی با این طرح نه در داخل بلکه از خارج از ایالات متحده یعنی از سوی روسیه صورت می‌گیرد. این دشمن و رقیب پیشین آمریکا در دوران جنگ سرد، تنها کشوری است که از یک سیستم هشداردهنده بسیار سریع برخوردار است، سیستمی که به راحتی می‌تواند شلیک یک راکت Trident2 از زیردریایی‌های آمریکایی را در لحظه ثبت کند. همین مخالفت‌های روسیه باعث شده است تا یکی از نمایندگان دموکرات کنگره آمریکا به نام «جک رید» ضمن مخالفت با این پروژه، این پرسش را مطرح کند که اگر روس‌ها پرتاب چنین راکت جدیدی را به عنوان آغاز حمله اتمی آمریکا قلمداد کنند، در آن صورت باید چه کار کرد؟ پاسخ این پرسش را هم خود سناتور رید می‌دهد: در چنین حالتی و بر پایه منطق هراس و وحشت اتمی، دولت روسیه در کوتاه‌ترین زمان ممکن اقدام به شلیک موشک‌های اتمی می‌کند و بدین صورت جنگ ویرانگر اتمی ناخواسته آغاز خواهد شد. به گفته این سناتور آمریکایی خطر بزرگتر از این مورد، از طرف کشور چین احساس می‌شود. زیرا از آنجایی که چین از توان بالایی در زمینه تشخیص نوع موشک پرتاب شده آمریکا برخوردار نیست پس شاید زودتر از روسیه اقدام به پرتاب موشک‌های اتمی خود بکند.

البته آمریکا سعی کرده است تا به‌صورت شفاهی از نگرانی‌های به‌خصوص مسکو در این مورد بکاهد. ژنرال «یوری بالوفیشکی» رئیس ستاد مشترک ارتش روسیه اخیراً اعلام کرده است که در همین چند ماه گذشته با ژنرال «جیمز کارترایت» در روسیه ملاقاتی رسمی داشته و ژنرال آمریکایی توضیح‌حاتی در مورد این طرح‌های جدید ایالات متحده ارائه کرده است. به گفته بالوفیشکی: «دوستان آمریکایی همواره به ما می‌گویند که این موشک‌ها قادر به از بین بردن اسامه بن لادن هستند. اما ما می‌گوییم که این طرحی بسیار پرهزینه است که نمی‌توان با آن از بین رفتن چنین اهدافی را تضمین کرد و امکان زیادی دارد که شلیک یکی از این موشک‌ها منجر به پاسخی جبران‌ناپذیر از سوی یکی از کشورهای صاحب سلاح هسته‌ای شود زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند در همان لحظه تعیین کند که موشک پرتاب شده آمریکایی چه نوع کلاهکی را با خود حمل می‌کند.»

آمریکایی‌ها هم اعلام کرده‌اند که برای رفع نگرانی روسیه فکر همه چیز را کرده‌اند و در راه برای این مسئله در نظر گرفته‌اند: تا قبل از شلیک راکت‌های جدید، روسیه را از این امر مطلع می‌سازند و یا مدار و مسیر را برای این راکت‌ها انتخاب می‌کنند که هیچ‌وجه به‌سوی قلمرو روس‌ها نرود. علاوه بر آن دولت آمریکا در نظر دارد تا از مقامات دیگر کشورها برای مشاهده پرتاب آزمایشی این موشک‌ها دعوت به عمل آورد تا آنها خود از نزدیک شاهد تفاوت این موشک‌ها با راکت‌های اتمی باشند.

با این همه تا به امروز از سوی کشورهای اروپایی اظهارنظری در مورد این موشک‌های جدید صورت نگرفته است. البته دولت آمریکا برای کشورهای عضو ناتو در مورد این پروژه اطلاع‌رسانی کرده است اما هنوز واکنشی را از سوی آنان در این مورد شاهد نبوده‌ایم. البته از گوشه و کنار خبر می‌رسد که دولت آلمان از آمریکا خواسته تا در مورد این پروژه با روس‌ها هماهنگی‌های کامل را به عمل آورد زیرا در غیر این صورت برلین نیز با نگاهی نگران شاهد این پروژه خواهد بود.

منبع : فرانکفورتر لگامینه

مایل است که فرانسه فرماندهی نیروها را– که هم اکنون هم در اختیار دارد– حفظ کند. «ژتورو پاریز» وزیر دفاع ایتالیا نیز به روزنامه لاریوپوبلیکا گفت: فرماندهی کلاه‌آبی‌ها به‌طور مشترک برعهده ایتالیا و فرانسه خواهد بود. او افزود: «دیگر جای نگرانی نیست، زیرا فرانسه نیز به لبنان نیرو اعزام می‌کند و ما در آنجا تنها نیستیم.» فرماندهی میدانی یونینفیل تا پایان سال ۲۰۰۶ به عهده فرانسه و فرماندهی آن در مقر سازمان ملل با ایتالیا خواهد بود. پس از عقب نشینی اولیه فرانسه از اعزام نیروی گسترده به لبنان، ایتالیا قول فرستادن سه هزار نیرو را داد و پیشنهاد کرد که هدایت نیروی گسترش یافته حافظ صلح را به عهده بگیرد. تلاش‌ها برای تشکیل و اعزام سریع نیروهای پاسدار صلح– که تعداد آنها در نهایت باید به ۱۵ هزار نفر برسد– افزایش یافته است. روز گذشته وزرای خارجه اتحادیه اروپا به همراه «کوفی عنان» دبیرکل سازمان ملل در بروکسل تشکیل جلسه دادند. عنان در این جلسه اروپایی‌ها را از رغب کرد تا برای تکمیل نیروهای پاسدار صلح در لبنان، مشارکت بیشتری داشته باشند. در حالی که هند رسد است نیروهای خود در جنوب لبنان را که شمار آنها به بیش از ۷۰۰ نفر می‌رسد از لبنان خارج کند، کشورهای ترکیه، مالزی و اندونزی برای اعزام نیرو اعلام آمادگی کرده‌اند و سازمان ملل انتظار دارد کشورهای اروپایی بقیه نیروی لازم را تامین کنند. اسرائیل از تصمیم مالزی و اندونزی استقبال نکرده است. زیرا این دو کشور با اسرائیل روابط سیاسی ندارند.

خبرگزاری فرانسه گزارش داد اسپانیا برای اعزام ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر خود به جنوب لبنان اعلام آمادگی کرده است. یونان، فنلاند، لتونی، سوئد و لهستان نیز به‌طور ضمنی اعلام کرده‌اند که می‌توانند به لبنان سرباز بفرستند. نخست‌وزیر بلژیک نیز آمادگی مشاورش برای اعزام نیرو به لبنان را اعلام کرد. «خوسه مانوئل باروسو» رئیس کمیسیون اروپا روز پنجشنبه ابراز آمادگی کرد که اروپا از توسعه یونینفیل کاملاً حمایت می‌کند. از سوی دیگر «سربی ایوانوف» وزیر دفاع روسیه گفت که این کشور هنوز در حال بررسی احتمال اعزام نیرو به لبنان است. او گفت: «ما در حال بررسی اوضاع هستیم. تاکنون از وضعیت و حقوق این حافظان صلح و محدوده اختیارات آنها به‌طور دقیق مطلع نشده‌ایم.» «جورج لیلیکاس» وزیر خارجه قبرس نیز اعلام کرد که سازمان ملل یک مرکز اداری را برای نیروهای پاسدار صلح یونینفیل در قبرس تأسیس می‌کند. او گفت: «این مرکز اداری در یکوزی برای ایجاد خبری را دارد. خبرگزاری فرانسه خبر داد که به نظر می‌رسد واشینگتن شد و مسئولیت امور نیروهای جدید را برعهده می‌گیرد.»

سال چهارم ■ شماره ۸۴۲ *شرق*

نگاه کارشناس

چرا دموکراسی

دکتر حسین دهشیار

از ۴۳ رئیس‌جمهور آمریکا، تعداد ۳۸ نفر آنها در قید حیات نیستند. محل دفن آنان مورد بازدید مردم قرار می‌گیرد و جزء جاذبه‌های توریستی است. اموال هیچ خانواده رئیس‌جمهوری در آمریکا بعد از مرگ و از دست دادن قدرت مورد تاراج و مصادره قرار نگرفت. بعد از مرگ روسای جمهور، خانواده‌های آنان هیچ‌گاه مورد آزار و اذیت قرار نگرفتند و حتی بسیاری از خانواده‌های روسای جمهور پیشین از اعتباری که مقام ریاست‌جمهوری ایجاد کرده بود بهره‌برداری کردند و خود را به مقامات بالا در جامعه رساندند. پسران جورج هربرت واکر بوش رئیس‌جمهور آمریکا بعد از از دست دادن قدرت، از نام پدر استفاده کردند و خود به مقامات سیاسی دست یافتند. جب بوش فرماندار فلوریدا چهارمین ایالت پرجمعیت آمریکا شد و جورج دبلیو بوش هم به مقام ریاست‌جمهوری آمریکا رسید. حال در مقام مقایسه عراق را در نظر بگیرید. تمام کسانی که از ۱۹۳۲ زمان استقلال این کشور به قدرت رسیده‌اند سرنوشتی نه‌چندان مطلوب داشته‌اند. آخرین آنها یعنی صدام حسین در پای میز محاکمه است. فردی که زمانی ده قصر داشت و اعضای کابینه حتی جرات دست گذاشتن بر روی میز کنفرانس را در حضور او نداشتند امروزه در یک زندان تحت مدیریت آمریکایی به سر می‌برد و قاضی دادگاه به مانند یک موجود غیربشری با او رفتار می‌کند. از محل دفن هیچ‌یک از رهبران عراقی اطلاعی در دست نیست و اصولاً چیزی از جنازه آنها باقی‌نمانده است که دفن شود. خانواده‌های آنها از هم فروپاشیدند و ثروت‌های اندوخته‌شده به تاراج رفتند و به غارت گرفته شدند و در عراق صاحبان قدرت زندگی ملو از ترس را در قصرها دنبال کردند و با وجود قدرت فراوان، با دموکراسی از دست دادن قدرت روبه‌رو شدند چرا که به دموکراسی را باید از این منظر توجه کرد که بالاترین نفع و منفعت را برای قدرتمندترین افراد دارد. بیل کلینتون که یکی از ایالات آفتر و کوچک آمریکا در یک خانواده درهم‌فرورخته و آلوده بدبختی به دنیا آمد به‌یمن دموکراسی در آمریکا توانست به بالاترین قدرت سیاسی دست یابد و زندگی مرفه و راحت و در عین حال اعتبار و اشتهار برای خود ایجاد کند. بنابراین می‌توان دموکراسی را برخلاف نظر بسیاری از صاحبان قدرت در کشورها با منفعت شخصی و بهبود آن گریز. برای ملموس کردن این الزام که چرا دموکراسی ضروری است و اینکه چرا در نهایت باید به آن تن در داد، دلایل متعددی در پیش روی است. بسیاری از یک جایگاه متعالی و پشرو به ضرورت تحقق دموکراسی می‌نگرند و به اعتبار روشنفکرانه اعطای می‌کنند. گروهی نیز از منظر اخلاقی آن را مورد توجه قرار می‌دهند و بر آن پای می‌فشازند چرا که احترام به حقوق انسانی را یک رسالت می‌یابند. و با توجه به کیفیت طبیعت انسان، بهتر است در چارچوب نافع، ضرورت‌ها مثبت به دموکراسی را عیان کنیم. افرادی که در طلب قدرت هستند، غالباً به یکی از این سه دلیل است که در این راه گام برمی‌دارند:

۱– برخی از صاحبان قدرت قرار گرفتن در اوج را طلب می‌کنند چرا که می‌خواهند به آرزمان‌ها، ایده‌ها و ارزش‌های خود فرصت اشاعه دهند. اینان قدرت را وسیله‌ای می‌یابند که به واسطه در اختیار داشتن آن می‌توانند نظرات خود را پیاده کنند. رهبرانی از این دست اراده و به عبارتی بهتر آرزمان‌های خود را بر قدرت تحمیل می‌کنند: قدرت وسیله‌ای برای انسان‌تر کردن حیات بشری، عادلانه‌تر کردن فضای زیست و عقلانی تر کردن رفتار رهبران سیاسی می‌شود. نلسون ماندلا رئیس‌جمهور سابق آفریقای جنوبی را باید از زمره قدرتمندانی یافت که کسب قدرت سیاسی را فقط و فقط در جهت مشرعیت‌بخشی به آرزمان‌هایش دنبال کرد. بنابراین او همیشه به‌عنوان رهبری سیاسی احترام‌برانگیز و میبار و شاخص مدنظر قرار خواهد گرفت. ارزیابی اینان براساس قیمت گوشت، پیاز و تعداد کارخانه‌های ساخته‌شده در دوران قدرت‌شان انجام نخواهد شد بلکه اینان براساس عمق آرزمان‌ها و اعتقاداتشان قضاوت خواهند شد و اینکه تا چه حد توانسته جامعه را متحول کنند. اینان دموکراسی را خواهران بودند چرا که تنها در یک بستر دموکراتیک است که آرزمان‌ها و ارزش‌ها فرصت نهاده‌ین شدن پیدا می‌کنند و به سنت تبدیل می‌شوند.

۲– برخی از رهبران سیاسی از این روی قدرت را طلب می‌کنند، چون‌که درصدد کسب فزون‌ترین منافع مادی برای خود و خانواده و اطرافیشان هستند. اینان قدرت را وسیله‌ای برای ارتقای مادی موقعیت خود می‌پینند. اینان آرزمان‌گرا نیستند بلکه مادی‌گرا هستند و خود را به قدرت واگذار می‌کنند و تابع آن می‌شوند زیرا فزون‌ترین منافع را در آن می‌یابند. کسانی که قدرت را به خاطر نفوذ این می‌باید باید آگاه باشند که بهترین راه برای کسب منفعت و حفظ آن دموکراسی است. هرچند که در یک فضای غیردموکراتیک آنها ثروت بیشتری اندوخته می‌کنند اما باید به این نکته‌وقف داشته باشند که بعد از سقوط از قدرت همه چیز را از دست می‌دهند و تمام ثروت محو می‌شود. اما در یک فضای دموکراتیک هرچند که ثروت کمتری اندوخته می‌شود اما بعد از خروج از قدرت دغدغه‌ای درخصوص حفظ ثروت و اموال نخواهد بود. بنابراین به نفع شخصی و خانوادگی صاحبان قدرت که طلب ثروت و . . . هستند باید مطرح شود که دموکراسی فرصت ثروت و ظهور می‌دهد. دموکراسی وسیله‌ای می‌شود بر اینکه آنان هیچ‌گاه به سرنوشت صدام دچار نشوند و وضعیتی مانند بیل کلینتون را پیدا کنند که محاکمه هم شد اما رای‌های او دست نخورد.

۳– گروهی از صاحبان قدرت سیاسی هستند که ترکیبی از تلاش برای منفعت شخصی و تلاش برای تحقق آرزمان‌ها را دلیل کسب قدرت سیاسی می‌یابند. اینان نیز در صورتی موفق می‌شوند به خواست‌های دوگانه خود دست یابند که دموکراسی را آرج بکنند. بنابراین بدون توجه به اینکه صاحبان قدرت به چه دلیلی حضور در بالا را خواهند هستند، می‌توان به این واقعیت تاریخی توجه کرد که به نفع آنان است که دموکراسی تحقق یابد. صاحبان قدرت برای اینکه ثروت‌شان مصادره نشود و خانواده‌شان به شرمندگی در حزن گرفتار نیایند لازم‌نیست حتماً به تقلید از نسون ماندلا که شرافت انسانی را به نمایش گذاشت تقلید از دموکراسی را به تقلید از آنها حتی به تقلید از یکی از مکارترین رهبران سیاسی یعنی بیل کلینتون نیز می‌توانند دموکراسی را شبیهت یابند زیرا دموکراسی همواره سربازان را منفعت بلندمدت و همیشگی است و کسانی که با دموکراسی کنار می‌آیند همواره برنده درازمدت و مطمئن صحنه سیاسی هستند.